

از سقوط دولت عثمانی تا برآمدن نظام جمهوری

۴ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۱۸

کتاب «روابط ایران و ترکیه، از سقوط دولت عثمانی تا برآمدن نظام جمهوری ۱۲۹۷-۱۳۰۲ هـ.ش» تالیف کاوه بیات به بررسی چند و چون ارتباط این دو کشور بر اساس اسناد وزارت امور خارجه ایران می‌پردازد.

کتاب «روابط ایران و ترکیه، از سقوط دولت عثمانی تا برآمدن نظام جمهوری ۱۲۹۷-۱۳۰۲ هـ.ش» تالیف کاوه بیات به بررسی روابط میان دو کشور در یک دوره گذار (تغییر حکومت عثمانی به ترکیه) و ایران (از قاجار به پهلوی) بر اساس اسناد به جامانده می‌پردازد.

گزارش سفارت بریتانیا از فعالیت «کمالیست‌ها»

کتاب در سه بخش با عناوین «پایان جنگ بزرگ، شروع جنگ‌های کوچک»، «آنکارا» و «رفت و برگشت» تنظیم شده است.

در پشت جلد کتاب آمده است: «مناسبات ایران و ترکیه در فاصله فروپاشی عثمانی در پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ م تا برآمدن یک نظام جمهوری در آن سامان در سال ۱۹۲۳ که در خلال آن نه فقط نظام حاکم بر ترکیه بلکه نظام حاکم بر ایران نیز در خلال گذر در دوره قاجار به پهلوی دگرگونی مهمی را تجربه کرد. در این دوره گذر، مناسبات دو کشور، هم شاهد تداوم پاره‌ای از مسائل و مشکلات برجای مانده از ادوار پیش بودیم و هم، به وجود آمدن مجموعه‌ای از مسائل و دشواری‌های جدید که سعی شده در این بررسی مورد توجه قرار گیرند.»

مؤلف در مقدمه کتاب درباره اسناد مربوط به روابط ایران و ترکیه آورده است: «بخش اصلی این نوشته بر اساس بررسی اسناد وزارت امور خارجه ایران صورت گرفته است؛ نگارنده سال‌ها پیش در خلال پژوهشی پیرامون مناسبات ایران و جمهوری‌های قفقاز (۱۹۲۰-۱۹۱۷) با اسناد و گزارش‌های مربوط به این دوره آشنا شد و در کنار موضوع اصلی آن بررسی یعنی ماجرای قفقاز، در باب مناسبات ایران و عثمانی در آن دوره و چگونگی گذار آن مناسبات از دوره عثمانی/ قاجار به دوره جمهوری/ پهلوی بعدی، یادداشت‌برداری‌هایی صورت گرفت. بخشی از این یادداشت‌ها در توضیح تحرکات کاظم قزاق پاشا در حوزه‌های مرزی ایران و عثمانی، در همان بررسی مورد استفاده قرار گرفت و بخشی دیگر نیز که به تحرکات پان‌ترکیستی در همان دوره مربوط می‌شد نیز در یک بررسی دیگر به کار گرفته شد.» (ص ۱۱)

بیات در همین قسمت با اشاره به نگاه ایرانی به رابطه ایران و ترکیه می‌نویسد: «مهم‌ترین نکته‌ای که لازم است در ادامه این بحث سندی مورد اشاره قرار گیرد، وجه یک‌جانبه این بررسی است؛ آنچه در این نوشته ارائه می‌شود گزارشی است از منظر ایرانی کار و طبیعتاً تا کار مشابهی از منظر ترکیه‌ای بحث و مبتنی بر اسناد و گزارش‌های ترکیه صورت نگیرد، به تصویر موثقی از روابط ایران و عثمانی - ترکیه در این دوره دست نخواهیم یافت. از این رو علاوه بر این تذکر کلی در ابتدا، در طول کار نیز در پاره‌ای از موارد مشخص مانند فقدان آگاهی لازم در مورد کم و کیف حمایت ترک‌ها از سمکو، به کاستی‌هایی از این قبیل اشاره خواهد شد. برخی از این نکات مبهم را نیز که رسیدگی بیشتر بدان‌ها مستلزم دسترسی به اسناد بیشتر بود به خود گذاشتیم، از جمله بحث «کمالیست‌ها» یا «کمیته کمالیست‌ها» که به گزارش سفارت بریتانیا در تهران در این ایام هم‌سو با بلشویک‌ها بر ضد منافع بریتانیا فعالیت می‌کردند.» (ص ۱۲)

وحشت بی‌مورد از ترک‌ها

در بخش نخست «پایان جنگ بزرگ، شروع جنگ‌های کوچک» درباره ظهور مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) می‌خوانیم: «در این میان در یکی از دیگر کانون‌های اصلی تحولات منطقه‌ای، موقعیت مصطفی کمال پاشا و نهضت ملی وی نیز محکم‌تر شده بود؛ گوشه‌هایی از این دگرگونی در یکی از معدود گزارش‌های واصله از استانبول چنین توصیف شده است: «مصطفی کمال پاشا که مفتش کل اردوی غرب عثمانی بود پس از متارکه جنگ نخواست اطاعت از شرایط مقیده نماید. لہذا بر ضد حکومت مرکزی علم طغیان افراشته و اردوهای آن نواحی را در تحت اختیار خود آورده کم‌کم از ارضروم به سیواس و از آنجا به تمام آسیای صغیر استیلا پیدا کرد و حکومت مرکزی قادر به جلوگیری از حرکات مصطفی کمال نبود و متفقین هم نخواستند تا قلب آسیای صغیر داخل شده و با قشون داوطلب مبارزه کنند. به تدریج از اطراف هم دسته‌جات مسلح از طرفداران اتحاد و ترقی به اردوی ملی ملحق شده و آناتولی عدم اطاعت خود را نسبت به مرکز علنی ساخته، حکام مرکزی را خلع و احکام مرکزی را لغو نمود.» (ص ۴۱)

در همین صفحات با استناد به خاطرات رجال سیاسی درباره تحولات بلشویک‌ها در تبریز آمده است: «مخبرالسلطنه هدایت، والی آذربایجان در خاطرات خود نوشته است که از مدت‌ها پیش نگران تحولات این حوزه بود و هنگامی که دولت در پاسخ به پیگیری‌های مکرر او که «رویه سیاست با روس و ترک چیست؟ [در نهایت] گفتند خودت می‌دانی» از طریق اقبال‌السلطنه با فرماندهان ترک در ایگدر و بایزید وارد مکاتبه شد. ظاهراً در تشکر از همراهی فرماندهان مزبور و تأکید بر «برادری ایرانی و همدستی در جنگ‌ها» نیز نامه‌ای نوشته بود که «... تا مجلس آنقره رفته بود، نتیجه آن که از طرف ترک‌ها زحمتی به ما وارد نیامد و آن وحشت‌ها بی‌مورد بود.» (ص ۶۳)

«آنکار» در بخش دوم سراغ برخی مسائل از جمله موضوع کردها رفته و در رابطه با این مساله با بیان یک گزارش آورده است: «موضوع کردها یکی از مضامینی بود که از دیرباز بیشتر خود را در چارچوب روابط ایران و عثمانی نشان می‌داد. با آن که از قرن نوزدهم به بعد و مداخلات فزاینده قدرت‌های اروپایی در تحولات منطقه، هرازگاه این بحث توجه پاره‌ای از آن قدرت‌ها را نیز به

خود جلب کرد ولی در مجموع در این دوره در کل وضعیت تغییر چندانی ایجاد نشد. اما بعد از پیشامد جنگ اول جهانی و استقرار نیروهای بریتانیا در بین‌النهرین، بعد سومی نیز به این معادله افزوده شد که آن نیز بر پیچیدگی‌های وضع موجود دامن زد. گزارشی که در ۲۱ آبان ۱۳۰۱ به تهران ارسال شد؛ در این گزارش ممتازالدوله خاطر نشان ساخت «ترک‌ها بعد از شکست دادن به قشون یونان و طرد آنها از اراضی آسیای صغیر به طرف اسلامبول حرکت... [و]... متفقین، مخصوصاً انگلیسی‌ها [که] از این مسئله متوحش شده، مشغول اقدامات شدند و به وسیله فرانسه با ترک‌ها داخل مذاکره و قرار شد کنفرانسی در مداینه که بندر بروسه است در دریای مرمره تشکیل داده، قراری برای مذاکرات صلح و تحدید حدود داده شود.» (ص ۱۰۰)

دست برادری به آنگورا

مولف در همین قسمت موضوع وحشت بریتانیا از لشکرکشی ترک‌ها را مورد توجه قرار داده و می‌نویسد: «در گزارشی که در ۲۱ آبان ۱۳۰۱ به تهران ارسال شد؛ در این گزارش ممتازالدوله خاطر نشان ساخت «ترک‌ها بعد از شکست دادن به قشون یونان و طرد آنها از اراضی آسیای صغیر به طرف اسلامبول حرکت... [و]... متفقین، مخصوصاً انگلیسی‌ها [که] از این مسئله متوحش شده، مشغول اقدامات شدند و به وسیله فرانسه با ترک‌ها داخل مذاکره و قرار شد کنفرانسی در مداینه که بندر بروسه است در دریای مرمره تشکیل داده، قراری برای مذاکرات صلح و تحدید حدود داده شود.» (ص ۱۲۰)

بخش سوم با نام «رفت و برگشت» سفیر جدید دولت کمال پاشا به ایران مدنظر قرار گرفته که درباره آن می‌خوانیم: «به تدریج با پایان گرفتن سال ۱۳۰۲ کاملاً روشن شده بود که وضعیت حاکم بر روابط ایران و ترکیه به هیچ وجه وضعیت مطلوبی نیست؛ سفارت بریتانیا در آن بخش از گزارش سالانه خود راجع به تحولات ایران که به روابط ایران و ترکیه مربوط می‌شد از جایگاه نه‌چندان روشن محی‌الدین پاشا، فرستاده مقامات آنکارا به تهران نوشته یکی از مشکلات اصلی آن بود که هنوز جابه‌جایی‌های صورت گرفته در ترکیه مورد شناسایی رسمی قرار نگرفته بود، لهذا محی‌الدین پاشا در تقدیم استوارنامه خود به احمدشاه به نمایندگی از مجلس کبیر ملی و به امضای مصطفی کمال پاشا هیچ اشاره‌ای به مبحث خلافت نداشت و احمدشاه نیز در سخنانی که به این مناسبت ایراد کرد به مجلس کبیر ملی یا غازی مصطفی کمال اشاره نکرد.» (ص ۱۴۰)

در همین قسمت درباره تقویت زمینه همراهی و همسویی میان ایران و ترکیه با وجود برخی مشکلات آمده است: «یکی از مهم‌ترین نکاتی که بتوان در باب روابط ایران و ترکیه خاطر نشان کرد لزوم توجه و رسیدگی دائم بدان است؛ سخن از مناسبات دو حوزه‌ای است، که بنا به مجموعه‌ای از دلایل همان‌گونه که اشاره شد از دیرباز در رقابت و رویارویی بوده‌اند و هدایت این رقابت و هم‌چشمی به مجرای آرام و دور از تنش، مستلزم یک سعی و تلاش دائمی است. دیدیم که رها شدن این مناسبات به حال خود، به گونه‌ای که در دوران گذار عثمانی به جمهوری / قاجار به پهلوی پیش آمد به پیش آمد چه بحران‌هایی در روابط دو کشور میدان داد. اگرچه از اواخر این دوره که به حل و فصل مسائل فی‌مابین اهتمام شد زمینه‌ای پابرجا برای یک همراهی و همسویی نسبی میان ایران و ترکیه فراهم آمد که هنوز هم کم و بیش به قوت خود باقی است اما حفظ و توسعه این زمینه نیز مستلزم توجه و رسیدگی است؛ درحالی که برخی از مهمترین حوزه‌های اختلاف مانند حقوق اتباع ایرانی یا مسائل مرزی در همان دوره موضوعیت

خود را از دست دادند، ولی پاره‌ای از دیگر عوامل مورد بحث هنوز (هرچند در حاشیه) به قوت خود باقی هستند و نباید مورد بی‌توجهی قرار گیرند؛ مباحثی چون پان‌ترکیسم و یا جایگاه کرد و کردستان در مناسبات ایران و ترکیه که با توجه به پیشینه‌ای که در این بررسی از آنها به دست داده شد، هر یک می‌توانند در صورت غفلت و بی‌توجهی ابعادی تنش‌آفرین به خود گیرند.» (ص ۱۹۶)

کتاب «روابط ایران و ترکیه، از سقوط دولت عثمانی تا برآمدن نظام جمهوری ۱۲۹۷-۱۳۰۲ ه‍.ش» تألیف کاوه بیات در ۱۹۶ صفحه، شمارگان یک‌هزار و صد نسخه به قیمت ۱۲ هزار تومان از سوی نشر پردیس دانش روانه بازار کتاب شد.

منبع: ایبنا

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۱۹۵۲/جمهوری-نظام-برآمدن-عثمانی-دولت-سقوط/۳۱۹۵۲>